



۲۰۱۷/۰۶/۲۳

ملائی موسی نظام

## جناب داکتر صاحب حقوق، مجاهدین ملی به کشتار دیگری پرداختند!

به باور جناب داکتر روستار ترکی، عکس های ضمیمه، باید جهاد مردم افغانستان را به مقابل کفار، بیان نماید



### خبر روز از صدای امریکا:

(مقام های هلمند می گویند، حوالی ساعت ۱۲:۰۰ ظهر پنجشنبه در مقابل شعبه نوری کابل بانک، یک حمله موثر بم انجام شده است که در نتیجه ۳۴ تن جان باخته و بیش از ۶۰ تن دیگر زخمی شده اند. حیات الله حیات، والی هلمند، به خبرگزاری اسوشیتد پرس گفته است که اکثر قربانیان این حمله را غیر نظامیان تشکیل می دهد. به گفته آقای حیات، وضعیت شماری از زخمیان وخیم است و آنان به شفاخانه ایمرجنسی لشکرگاه انتقال یافته اند. مقامات ولایت هلمند می گویند که وضعیت شماری از زخمیان بسیار وخیم است. به گفته شاهدان رویداد، حمله زمانی به وقوع پیوست که شماری از مامورین ملکی حکومت و منسوبین امنیتی برای گرفتن معاشات شان در مقابل آن بانک تجمع کرده بودند. گروه طالبان مسؤلیت این حمله مرگبار را بر عهده گرفته است. هلمند یکی از نا امن ترین ولایات افغانستان به شمار می رود که و بخش اعظم قلمرو این ولایت در کنترل گروه طالبان قرار دارد).

خبر بالا در حقیقت مشتکی از نمونه خروار که به روز ۲۲ ماه جاری واقع گردیده است، از حوادث خونین و استخوان سوز ملت مظلوم افغانستان است که باز هم یکی از حملات آتشبار طالبان، در حینی که مردم سرک و بازار به فعالیت های روزمره مصروف هستند، از جانب جمعی از گماشتگان و یا به باور داکتر روستار ترکی، مهاجری در فرانسه، یعنی «مجاهدین ملی» ذریعه انفجار کشنده بمی در لشکر گاه مرکز ولایت هلمند، به وقوع

پیوست. این حادثه یکی از صد ها جریان مشابه دیگر است که در سر تا سر افغانستان جنگ زده ذریعه گروهی شرف فروخته، قسی القلب، خون آشام و بیرحم از یکنیم دهه به این طرف صورت می گیرد. این جانان دد صفت که بویی از آدمیت نبرده اند، فتوا و امر شان به عده ای اجیران جاهل و بی مروت که تعلیم قتل مسلمانان را پیشه نموده اند، فقط افغان کشی است که در آن باید بیگناهان زن و مرد، کوچک و بزرگ در حین بیخبری و بی دفاعی به خون و آتش مذاب آن قاتلین بالفطره، نیست ونا بود گردیده و از حلقه فامیل ناپدید گردند....چه بسی که خود نان آور فامیل خویش بوده اند و یا محصلی جوان، متعلم و شور نخود فروش، موجی، مادری با اطفال وووو...مردم افغانستان زیاده از چهل سال به اینطرف در بدبختی و ظلمی که بیشترین از جانب اقلیت های ستیزه جو و تشنه قدرت بالای آنان نازل گردیده است، با مصائب روز افزون و بیشماری سر دچار گردیده اند.



درین جریان بدون شک زیاد ترین صدمه و ادبار در هر دوره ای از جانب اقلیتی که نقاب تحصیل و فضل و دانش بر رو کشیده اند، بر ملت نهایت مظلوم سرزمین ما وارد گردیده است. مگر گروه پرچم متعلق به خط مسکو و تربیت شده شوروی که با رهبری سفارت آن کشور در کابل به زعامت پسر عم شاه افغانستان و در غیاب شاه، کودتای بیست و شش سرطان را دقیقاً منحصیث مقدمه ای برای تدارکات و اقدامات بعدی، سازمان دهی نمودند، تحصیل یافتگان و مأمورین وابسته به آن جریان نبودند!؟

بعد از کودتای منحوس ثور و سقوط افغانستان به دامن کثیف اتحاد شوروی اشغال گر، کم جوانان و تحصیل یافتگان کشور پا به پای وطن فروشان خلقی و پرچمی در بربادی ملت و مملکت سهم گرفتند؟ چه نقاب هایی از چهره ها پائین افتاد و چه خیانت کاران مکتب رفته و پوهنتون دیده، چپ و راست به قدرت رسیدند و دست به کشتار و ترویج قبر های دسته جمعی بیگناهان و مظلومان هموطن زدند.

با اشغال کابل و هجوم تنظیم های تشنه قدرت، آیا رهبران آنرا تحصیل یافتگان در داخل و خارج مملکت تشکیل نمیداد، مگر اعمال غیر انسانی آنان بر ملت افغانستان، مخصوصاً بر مردم بی دفاع کابل و قتل ۶۵۰۰۰ سکنه آن شهر که بدون تردید، در زمره انواع «جنایات بر علیه بشریت» ثبت است، تناسبی با تحصیل و کسب علم و تربیت آمران تشنه قدرت آن داشته است؟! در جنایت شنیع بشری «قتل عام افشار» مگر ربانی، مسعود، سیاف و گروه های شان صحنه سازان اصلی آن ماجرای خونین نبودند؟

حال با شرائط دولت فعلی که برای اشغال کرسی ها در قوای سه گانه، مشاهده میگردد که نسل های مختلفه و تعلیم یافته از هر گوشه جهان به افغانستان سرازیر گردیده و به خدمت «!» مردم آن کشور، در چور و چپاول دارایی های عامه، تزئید فساد اداری، حیف و میل بودجه های اعمار مجدد و همکاری با مافیای مواد مخدره

مصروف اند که همه تحصیل یافتگان و تا حدی مجربین اند. تعدادی هم با طالبان قاتل ملت، روابط نزدیک برقرار نموده اند.

ولی و اما، این تنها درد بی درمان ملت محنت کشیده نیست، نسلی که در چهل سال روزگاران صلح و امنیت یک افغانستان با ثبات و غیر منسلک، از برکت مزایای یاد شده توانسته بودند از بودجه ملت افغانستان به تحصیل و امتیازات مجانی چنان محیط آسایش بخشی رسیده و صاحب کار و مدارج ترقی گردند، امروز با اینکه اکثراً در غرب متمول با شرائط حیات مرفه شرائط پسندیده ای را برای خود و فامیل و فرزندان بدست آورده اند، از اوضاع نا بسامان، کشتار بی دریغ هموطنان بی دفاع که در هر گوشه ای از مملکت غرقه به خون، بی موجب و بیگناه قربانی میگردند، ترحمی به قلب و احساسی در سر ندارند. این گروه نهایت اقلیت، همانند گروپ های یاد شده قسی القلبی که در دهه های اخیر تشنه قدرت بودند، در حالیکه شاید تمایلی هم در پایان حیات شان به قدرتمندی در آن سرزمین ویران نداشته باشند، ولی قتل و کشتار وسیع مردم بی دفاع و بینوای خویش را در مناطق مختلفه مادر وطن، مشروع دانسته و چنان عملیات سخیفی را «جهاد» می شمارند..... همان جهادی که به حکم هدیایات و احکام اسلامی صرف جنگیست که برای دفاع از سرزمین خود با «کفار» صورت می گیرد،



مگر کشتار و حملاتی که بر خلق الله، غیر نظامیان افغان یا پلیس و ادوی افغانستان، مریض و پیر و جوان در هر گوشه و کنار مملکت، در مسجد و شفاخانه، مکتب و عروسی خانه صورت می گیرد، جنگ به مقابل «کفار» برای نجات مملکت از دست عدوی کافر است؟!!

بلی در گوشه از غرب آباد و آرام، در سر زمین فرانسه، جناب داکتر روستار ترکی هموطنی که از گزند طالب و داعش و اشتباهات غیر مجاز ناتو و بمباردمان های غیر نظامیان در امان است، حملات بیدریغ طالبی را «جهاد ملی» و گروه های آدم کشان حرفوی وحشی ای را که کشتار وسیع و بیدریغ شان ضد مروت و انصافی است که دین مقدس اسلام به بندگان، برای صلح و آرامش اجتماعات امر فرموده است، «مجاهدین ملی» انگاشته و البته که سوختاندن مکاتب دختران و حریق کتب دینی و قرآن عظیم الشان را هم نوعی «مقاومت ملی» می انگارد! ایشان حتی دفاع و حملات پلیس ملی را بر گروه های تروریست، قابل بازخواست «قانونی» و حمله بر بیگناهان میدانند.

آیا حملات عده ای وحشی و آدم کشان حرفوی بر شفاخانه ها، مراکز عسکری در حین عبادت و ادای نماز و یا قتل عامی که اخیراً در شهر پر ازدحام کابل در چهار «راهی زنبق» رو نما گردید با حمله دد منشانه دیروز در بازار لشکر گاه، هم شکلی از «جهاد ملی» بوده است؟ تکه پاره های پراکنده بدن اطفال و زنان و پیر مردان در

هر سو، چطور؟ مجاز می باشد؟ میشود گفت که چون افغانستان در اشغال غیر است، این «مجاهدین ملی» به پیروی از مبارزات تاریخی این خطه پاک، با چنین اعمال دهشت افگنی و خون ریزی های بیدریغ، در حقیقت «به مقاومت» ملی می پردازند و بدین گونه به امر جنایتکاران حرفوی گروه های طالب، در ماه عبادت و طلب مغفرت، مردم شریف افغانستان را قتل عام می نمایند؟!

گروه معروف آدم کشان معروف به فرقه «حقانی» که رهبر آنان افتخار معاونیت رئیس تشکیل جدید طالبان را کمایی نموده است، یقین با تجارب و ابتکاراتی که درین مدت در زمینه مسلک افغان کشی «کسب» نموده، سبب و وسعت حملات انتحاری را در حق مردم مظلوم و بی دفاع افغانستان سازمان دهی میدهد. البته که جناب داکتر صاحب چنان یک دم و دستگاه مخوفی را تقدیر نموده و امارت «مجاهدین و گروه مقاومت ملی» می شمارند. درین جای شکی نیست که اگر در امکان باشد، حملات انتحاری طالبی بر عساکر ناتو و قوای امریکا هم گاهی برابر خواهد گردید، ولی اگر در مجموع منطقه، جای، زمان و نحوه فعالیت دهشت افگنی و قتل عام بیگناهان، اکثراً غیر نظامی را در طول مدت معینی در نظر بگیریم، آدم کشان طالب بیشتر به مناطق پر از ازدحام مردم عامه افغان در ملاء عام، مساجد، اردو گاه ها، شفاخانه ها و امثالهم حملات خونین خویش را صورت میدهند.



به اساس استدلال داکتر روستار ترکی که حملات طالبان در «حقیقت» دفاع مشروع از خاک و وطن به مقابل تجاوزگران خارجی است.... یعنی که با مشاهدات حالات وخیم و کشتار های پراکنده و وسیعی که هر روز بر مردم بیگناه و بی دفاع افغانستان از جانب آدم کشان بی رحم طالب صورت می گیرد، صرف خارجی های متجاوز آماج حملات جهادی آنان قرار می گیرند، نه افغان ها و مردم عامه. یا الله!!

در صفحه وبسایتی به احصائیه ای از افغان کشی های اخیر بر خوردم که فقط همان قسمت برای معلومات خوانندگان محترم درین جا نقل میگردد. نویسنده خواسته است که ادعای داکتر روستار ترکی را مبنی بر حملات طالبان برای دفاع از خاک و هدف کشتن قوای خارجی و عساکر امریکا بوده است استناد نموده و رد نماید و ثابت کند که این مردم افغانستان هستند که در بیرون منازل به مرگی جانکاه، خونین و درد منشانه روبرو اند: "جهت اطلاع آقای روستار ترکی تازه ترین ارقام ذیل را به حیث نمونه ای از فعالیت های همسنگران ایشان تقدیم می کنم. در جنگ ایشان و برادران طالب شان "علیه امپریالیزم امریکا" گروه "مقاومت ملی" یا برادران همسنگر آقای ترکی این تعداد عساکر امریکائی و افراد ملکی امریکائی را کشتند و تعداد شانرا زخمی ساختند:

240 کشته و 360 زخمی در قول اردوی شاهین  
250 کشته و 300 زخمی در شفاخانه 400 بستر

20 کشته و 150 زخمی در پوهنتون امریکایی کابل

50 کشته و 80 زخمی در مسجد باقرالعلوم

20 کشته و 400 زخمی در شاه شهید

105 کشته و 347 زخمی در ریاست 10 امنیت

40 کشته و 50 زخمی در اکادمی پولیس

70 کشته و 350 زخمی در ریاست رجال برجسته

100 کشته و 231 زخمی در چوک دهمزنگ

20 کشته و 30 زخمی در کارته سخی

90 کشته و 460 زخمی در وزیر اکبر خان (چهارراهی زنبق)

3 کشته و 6 زخمی در انفجار مراسم خاکسپاری سالم ایزیدیار

نتها در یک ماه گذشته به تعداد ۳۰۰۰ امریکائی در افغانستان کشته و زخمی شده اند.

شاید ارقام بالا کم یا بیش باشند، زیرا طب جنائی ما از تشخیص (دی ان آ) پارچه های پراکنده بدن این همه کشته شدگان امریکائی عاجز است".

البته از بدبختی مردم مظلوم افغانستان و دسیسه های همسایگان غداری چون پاکستان حامی طالبان و آخوند های مزور ایران، درد های اجتماع افغانی بیشمار است، یکی هم جاگیری نوع دیگری از گروه آدم کشان حرفوی به نام «داعش» است که اعمال آن در منشان، مصیبتیست بالای مصائبی که طالب بر ملت افغان خلق نموده است.



گرچه ادعای اشخاصی که خاک را حواله چشم حقیقت بینان می نمایند، در مقابل حالات واقعی و مشاهدات مردم کشور در داخل و خارج کشور، و هر آنچه را راپور ها، تصاویر و اخبار و مطبوعات افغانستان و جهان بیان میدارد، جایی را نمی گیرد، ولی تحریف و مغشوش ساختن اذهان خوانندگان و تحریف حقایق مبرهن و آشکارا، آهن سرد کوبیدن بوده به منزله روشنایی آفتاببست که نمی شود با دو انگشت ناتوان پنهان گردد.

البته در چنین یک تحریف اذهان، تشکیلات مطبوعاتی و وبسایت هایی که به بهانه پیروی از «مطبوعات آزاد»، ولی در حقیقت با سهل انگاری یا افزودن به کمیت مطالب، نشر چنین کیفیت غیر مجازی را روا میدارند، هم در معضله تحریب افکار عامه سهیم شناخته می شوند.

**نوت:** عکس های مستند از کشتار چهار راهی زنبق کابل و حمله دیروز لشکرگاه.

پایان